أَجابَتِ الْمُدَرِّسَةُ:
جواب داد معلم:
«أَحْسَنْتِ، وَ الْحِفاظُ عَلىٰ هذِهِ الْمَرافِقِ واجِبٌ عَلىٰ كُلِّ مُواطِنٍ.»
آفرین، و محافظت از این تأسیسات واجب است بر هر شهروندی.
سَأَلَتِ الطّالِباتُ بِتَعَجُّبٍ:
پرسیدند دانش آموزان با تعجب:
«لِمَ وَ كَيفَ؟! ذٰلِكَ واجِبُ الدَّولَةِ.»
برای چه و چگونه؟! آن وظیفهٔ دولت است.
قالَتِ الْمُدَرِّسَةُ:
گفت معلم:
«بَلْ هِيَ مَسؤولِيَّةٌ مُشتَرَكَةٌ، فَسُمَيَّةُ الَّتي أَطْفَأَتِ الْمُكَيِّفَ وَ الْمَصابيحَ، وَ فاطِمَةُ الَّتي أَغْلَقَتْ حَنَفِيَّةَ الْماءِ، وَ الطّالِبَةُ الَّتي تَدخُلُ مَكتَبَةَ الْمَدرَسَةِ فَتُحافِظُ عَلَى الْهُدوءِ فيها وَ عَلىٰ نَظافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرتيبِها، وَ تِلْكَ الَّتي تَنصَحُ مَنْ يَرمِي النِّفايات في غَيرِ مَكانِها بِكَلامٍ طَيِّبٍ؛ هؤلاءِ يَعمَلْنَ بِواجِباتِهِنَّ كَمُواطِناتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسؤولِيَّةِ.»
بلکه آن مسئولیتی مشترک است، پس سمیه که خاموش کرد کولر و چراغ‌ها را، و فاطمه‌ای که شیر آب را و دانش آموزی که وارد کتابخانهٔ مدرسه می‌شود تا مراقبت کند بر آرامش در آن و بر نظافت کتاب‌ها و مرتب بودن آن‌ها، و آن که نصیحت می‌کند کسی را که زباله‌ها را در غیر مکانش می‌ریزد با سخنی نیکو؛ اینها عمل می‌کنند به تکالیفشان مانند شهروندانی که احساس مسئولیت می‌کنند.
قامَتْ سُمَيَّةُ وَ قالَتْ:
بلند شد سمیه و گفت:
«أَ لَيسَ مِنَ الْمُناسِبِ كِتابَةُ هٰذَا الْحَديثِ عَلَى اللَّوحَةِ الْجِداريَّةِ؟»
آیا مناسب نیست نوشتن این حدیث را بر روی تابلو دیواری؟

إِنَّكُم مَسؤولونَ حَتّىٰ عَنِ الْبِقاعِ وَ الْبَهائِمِ. أميرُ الْمؤمنينَ عليٌّ عليه‌السلام
قطعاً شما مسئولید حتی در مورد مکان‌ها و چارپایان.

قَبِلَتِ الْمُدَرِّسَةُ وَ قالَتْ:
پذیرفت معلم و گفت:
«هٰذَا الاِقْتِراحُ حَسَنٌ، وَ سَنَتَعاوَنُ جَميعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهٰذَا الْحَديثِ».
این پیشنهاد خوب است و یاری خواهیم کرد همگی در عمل به این حدیث.